

گزارشی کوتاه از فصل اول کاوش در جیران تپه اسفراین

علی اکبر وحدتی

دانشجوی دکتری باستانشناسی دانشگاه پاریس ۱-پانتئون، سوربون
vahdatiali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۳۰

کاوش جیران تپه به مدت یک ماه از اول تا پایان تیرماه ۱۳۹۱ به سرپرستی نگارنده انجام شد. در کاوش جیران تپه دو هدف اصلی دنبال شد: نخست بررسی توالی فرهنگی عصر مفرغ و آهن در دشت اسفراین در جنوب رشته کوه‌های آلاداغ (جزو سامانه البرز شرقی) و مقایسه داده‌های آن با نتایج حاصل از چندین دهه بررسی در محوطه‌های باستانی جنوب ترکمنستان و دوم، شناخت میزان روابط فرهنگی این بخش از شمال شرق ایران با فلات ایران و دشت‌های گرگان و مصریان (دهستان باستان) از یک سو و شناخت این روابط با سرزمین‌های پست دلتای باستانی رودخانه مرغاب در کوهپایه‌های شمالی کپه‌داغ (مارگیانای باستان) از سوی دیگر.

جیران تپه به خط مستقیم (فاصله هوایی) در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب شهر اسفراین واقع است و از دو برجستگی کوتاه و بزرگ در امتداد شمال-جنوب تشکیل شده است (تصویر ۱). این تپه در مجموع بیش از ۲ هکتار وسعت دارد. برجستگی بزرگ‌تر در جنوب تپه واقع است و حدود ۸ متر ارتفاع دارد و در سطح و دامنه‌های غربی آن سفال دوره تاریخی (اشکانی - هخامنشی) پیدا می‌شود. برجستگی کوتاه‌تر که در شمال تپه قرار دارد، حدود ۴ متر ارتفاع دارد. تمرکز مواد فرهنگی در سطح تپه در این بخش بیشتر است. سفال این بخش از تپه شامل سفال عصر مفرغ جدید (از نوع سفال تمدن جیحون، مجموعه باستان شناختی بلخ - مرو و نیز سفال خاکستری دشت گرگان) و سفال عصر آهن (از نوع منقوش معروف به یاز ۱ و سفال خاکستری دهستان باستان) است.

در کاوش جیران تپه سه ترانشه باز شد؛ ترانشه‌های ۱ و ۳ در بلندترین نقاط پشته کوتاه شمالی و ترانشه ۲ در نوک پشته بلند جنوبی (تصویر ۲).



تصویر ۱. دورنمای جیران تپه، دید از شمال غرب (مأخذ: نگارنده).

ترانشه ۳ ابتدا به ابعاد 5×5 متر در ۲۰ متری غرب ترانشه ۱ باز شد و سپس به سبب برخورد با یک سازه ستبر خشتی در عمق حدود ۱۰ سانتی متری در چندین مرحله گسترش یافت. در این ترانشه بخش‌هایی از یک سازه بزرگ خشتی با دیوارهای ستبر و پلانی مدور (از بیرون) پیدا شد (تصاویر ۳ و ۴). این سازه با خشت‌هایی به اندازه $8 \times 37 \times 60$ سانتی متر با ملات گل و ماسه ساخته شده است. پهنای دیوار اصلی این سازه از $3/5$ متر بیش‌تر است ولی به علت نزدیکی به سطح متأسفانه در سالم‌ترین بخش‌ها فقط سه ردیف از خشت‌ها باقی مانده است و در برخی نقاط، پلان به دقت قابل تشخیص نیست. با وجود این بر اساس سطح کاوش‌شده، بنای مورد بحث دو دیوار گرد دارد که با یک راهرو به عرض حدود ۱ متر از هم جدا شده‌اند. در قسمت مرکزی، بخشی از یک بنا با پلان راست‌گوشه از داخل و مدور از بیرون آشکار شد که با یک راهرو به عرض ۱۹۰ سانتی متر از دیوارهای گرد پیرامونی جدا شده است. کف این راهرو با قلوه‌سنگ پوشیده شده است. در منتهی‌الیه جنوبی راهرو، فضاهای مستطیلی‌شکل باریک و کشیده‌ای وجود دارد که فضای داخل آنها با خاک قرمز یکدست و پاره‌های خشت (احتمالاً عامدانه) پر شده بود. در هیچ‌یک از این فضاها سفال و سایر مواد فرهنگی پیدا نشد. با وجود این در کف فضای مستطیلی بلندتر یک سکوی کوتاه وجود داشت که روی آن اثر آتش به چشم می‌خورد و به‌وضوح محل آتش افروختن بوده است (تصویر ۵). بی تردید کارکرد این سکو به نحوی با آتش مربوط است، ولی اینکه آتشی که روی سکو افروخته می‌شده مرتبط با مراسم آیینی بوده یا نه؟ را نمی‌توان به روشنی پاسخ گفت.

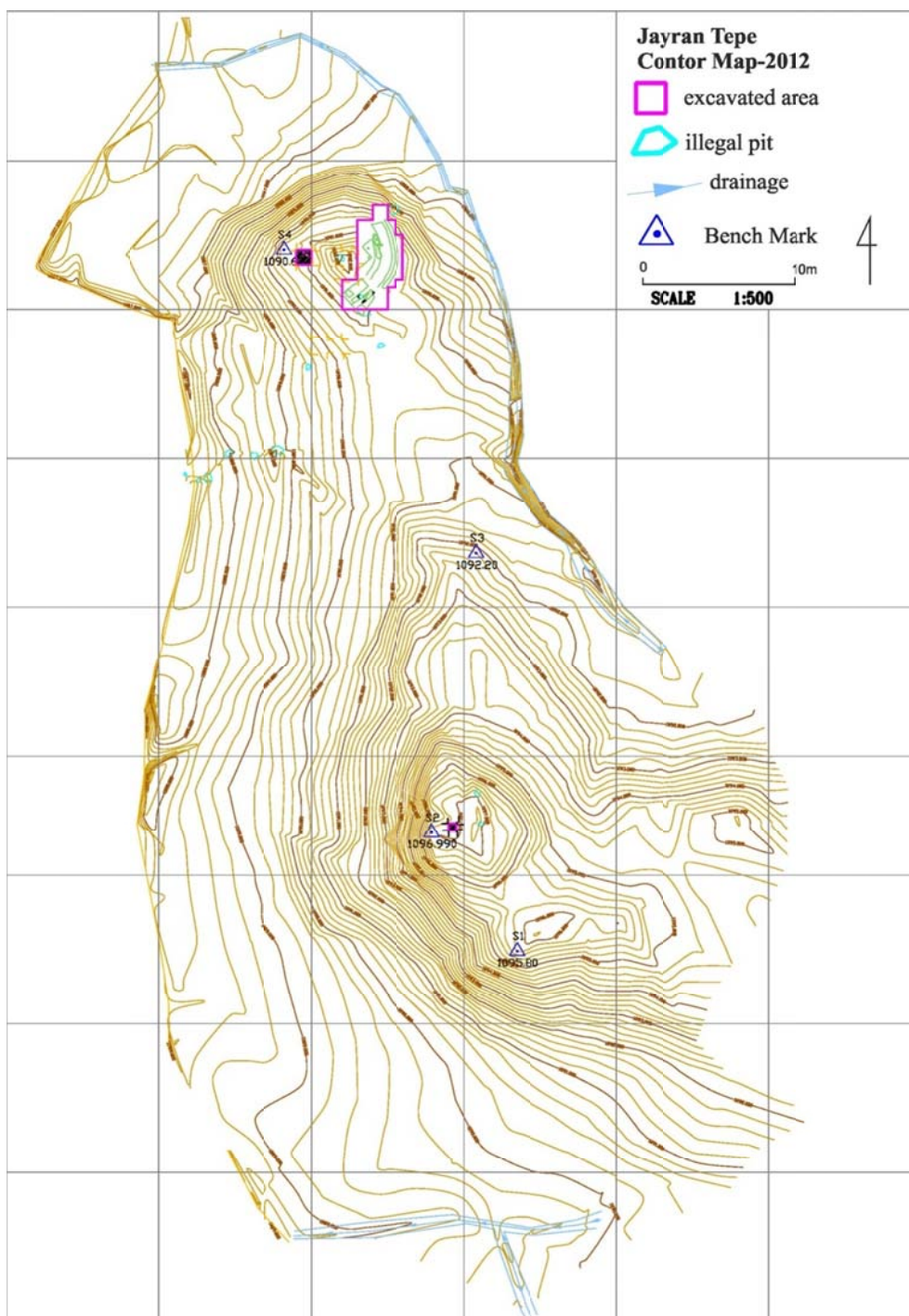
ایجاد دو برش در کناره غربی دیوارهای مدور بیرونی نشان داد که تمام این سازه روی یک سکوی مصنوعی

ترانشه ۱ به ابعاد 5×5 متر در قسمت مرکزی پشته شمالی باز شد. این ترانشه تا عمق ۵۰ سانتی متری کاوش شد و تمام خاک تشکیل‌دهنده آن را رسوبات طبیعی (ماسه نرم سفید رنگ) تشکیل می‌داد. در عمق ۵۰ سانتی متری ترانشه اثر دو چاله تدفین دیده شد که با خاک نرم قهوه‌ای-رنگ پر شده بود و در هر چاله یک اسکلت دفن شده بود. چاله اول بیضی‌شکل و کم‌عمق‌تر بود و اسکلت آشفته یک انسان در آن قرار داشت. به غیر از یک قطعه سفال نخودی دست‌ساز - که تصادفی و شاید همراه خاک وارد چاله گور شده - هیچ گورآوندی در این تدفین پیدا نشد. چاله دوم مستطیلی و عمیق‌تر بود و اسکلت انسانی به حالت کاملاً جمع‌شده در جهت شرقی-غربی در آن دفن شده بود. صورت اسکلت به سمت شمال بود و مانند گور شماره ۱، گورآوندی در آن قرار نداده بودند.

ترانشه شماره ۲ در نوک پشته جنوبی به ابعاد $2/5 \times 2/5$ متر باز شد و کاوش در آن تا عمق ۱۲۰ سانتی متری از سطح ادامه یافت. در این ترانشه، بر اساس ویژگی‌های فیزیکی خاک، سه لایه مجزا تشخیص داده شد که همگی نهشته طبیعی بودند. تنها مواد فرهنگی این ترانشه در لایه اول (از سطح تا عمق ۴۵ سانتی متری) پیدا شد که شامل سفال‌های شاخص دوره تاریخی (اشکانی) است.

سکو سازه یادمانی بزرگی ساخته شده است که می‌توان آن را یک «قلعه» قلمداد کرد.

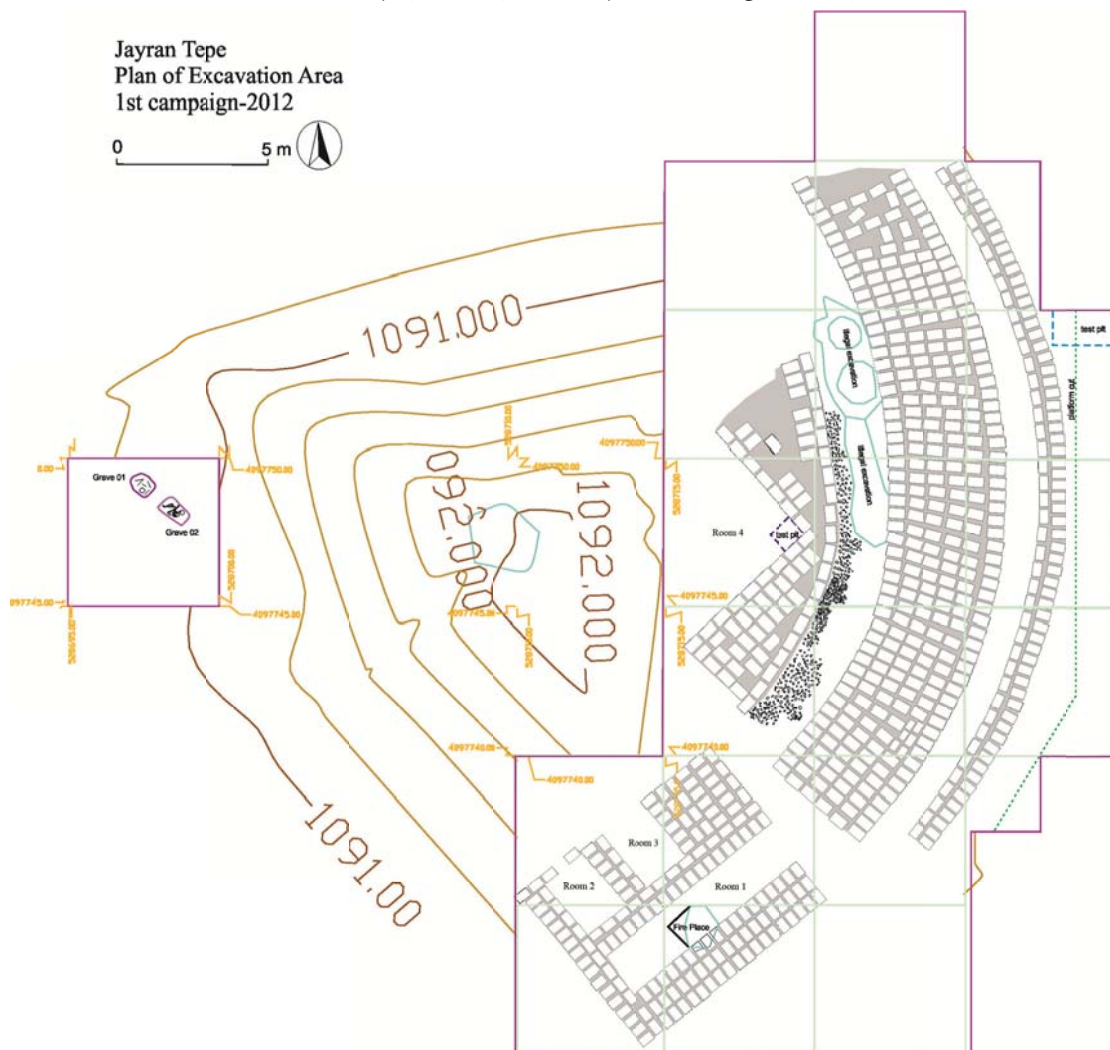
ساخته شده است. این سکو با برش عمودی دامنه‌های تپه طبیعی و ایجاد یک ماهیچه گلی ضخیم برای ایجاد یک بازوی نگهدارنده (rampart) شکل گرفته است. در بالای



تصویر ۲. موقعیت ترانزیه‌های کاوش شده در نقشه توپوگرافی جیران تپه (ترسیم: نگارنده).



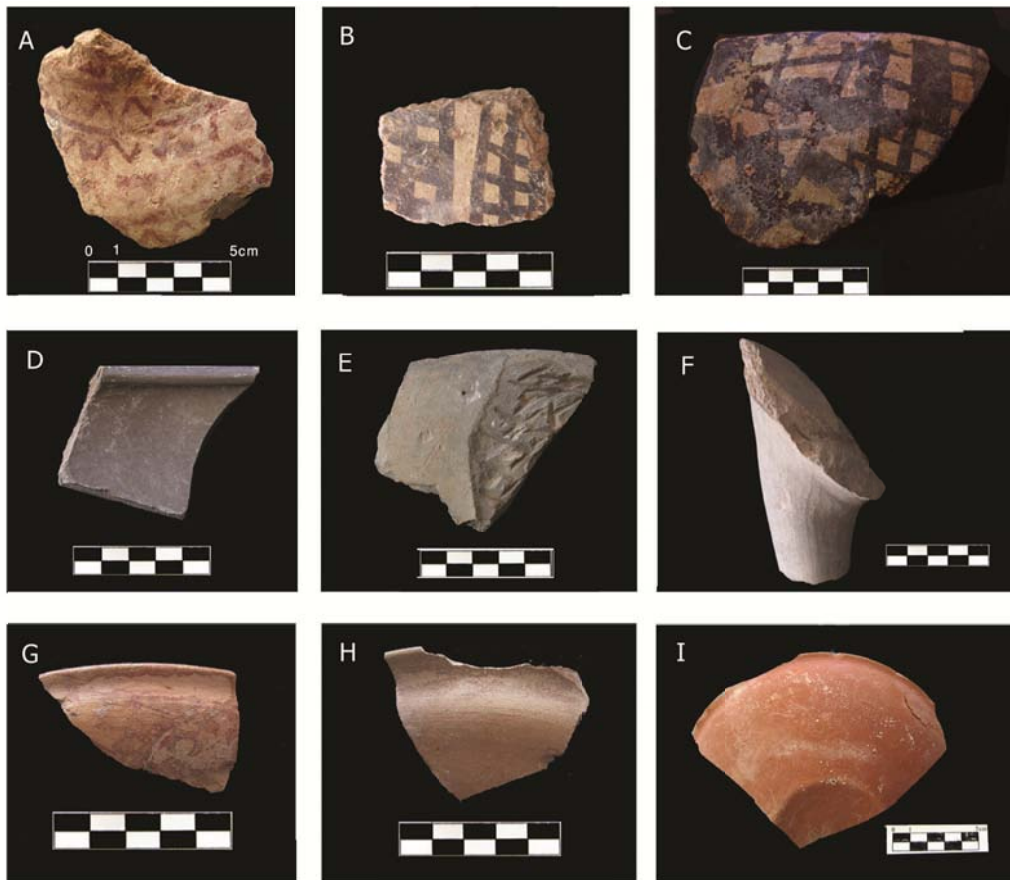
تصویر ۳. نمای کلی از آثار معماری پیداشده در ترانشه ۳ جیران تپه (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۴. پلان بنای کاوش شده در ترانشه ۳ (ترسیم: نگارنده).



تصویر ۵. سکوی کوتاه که در سطح آن داغ آتش دیده می‌شود در ترانشه ۳ جیران تپه (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۶. گونه‌های سفالی اصلی شناسایی شده در جیران تپه (مأخذ: نگارنده).

یافته‌ها نیز عاملی است که موجب شده است کاربری اصلی بنا مجهول بماند. با توجه به قرار گرفتن محوطه در مرکز دشت حاصلخیز اسفراین و در پایین دست رودخانه‌های دائمی، شاید بتوان مجموعه معماری جیران تپه را از نوع «قلعه»‌هایی دانست که مقرر طبقه حاکم در عصر آهن بوده است. در آسیای مرکزی، اغلب استقرارهای واحه‌ای بر مبنای کشاورزی بزرگ مقیاس تشکیل می‌شد که خود از سازمان سیاسی مبتنی بر نظام زمینداری ناشی می‌شد (Hiebert 1998: 153). در این نظام سیاسی-اجتماعی، محل استقرار طبقه حاکم، بناهای بزرگ و پیچیده‌ای بودند که اغلب روی سکوه‌های مصنوعی بنا شده است و «قلعه» نامیده می‌شوند (Masson and Sarianidi 1972: 155-166). کاوش بیشتر در جیران تپه به این پرسش پاسخ قطعی خواهد داد.

منابع:

BISCIONE, R., & VAHDATI A. A., 2011, "The Iranian-Italian archaeological mission of 2010: The identification of cultural areas", *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici*, 53: 355-60.
 HIEBERT, F., 1998, "Central Asians on the Iranian plateau: A model for Indo-Iranian Expansionism", In V. H. Mair (ed.), *The Bronze and Early Iron Age peoples of eastern Central Asia*, Washington, DC: vol. 1: 148-161.
 MASSON, V. M. AND V. I. SARIANIDI, 1972, *Central Asia: Turkmenia before the Achaemenids*, London: Thames and Hudson, Ltd.

بر اساس داده‌های موجود که از بررسی مواد سطحی و یافته‌های حاصل از کاوش در جیران تپه به دست آمده است، از قرار معلوم این محوطه دست کم از دوره مفرغ پایانی تا دوره اشکانی استفاده می‌شده است. مواد دوره مفرغ پایانی و نیز دوره تاریخی فقط از سطح محوطه و لایه سطحی ترانشه‌های کاوش شده پیدا شد. از کاوش لایه‌های دست نخورده فقط دو گونه سفال پیدا شد: سفال خاکستری خوش ساخت گونه دهستان باستان و سفال نخودی دست ساز منقوش یا سفال ساده گونه یاز ۱ (تصویر ۶). هر دوی این گونه‌های سفالی به عصر آهن ۱ تعلق دارند ولی پیش از این هیچ‌گاه در کنار هم پیدا نشده‌اند. پیدا شدن این دو گونه سفالی که به دو حوزه فرهنگی متفاوت (مارگیانا و هیرکان) تعلق دارند، نشان می‌دهد دشت اسفراین یک منطقه بینابینی یا مرز فرهنگی است که شواهد هم‌پوشانی حوزه‌های فرهنگی متفاوت را می‌توان در آن دید (Biscione and Vahdati 2012: 358).

آثار معماری کشف شده در ترانشه ۳ - هر چند هنوز کامل از خاک بیرون نیامده است - نشان دهنده معماری یادمانی و پیچیده‌ای است که هنوز نمی‌توان به دقت کاربری آن را مشخص کرد. پلان گرد این مجموعه با دیوارهای موازی پیرامونی و راهروهای میانی و پهنای زیاد دیوارها نشان می‌دهد این بنا کارکردی مرتبط با زندگی روزمره نداشته است و متعلق به مردم عادی نبوده است. کمبود کلی